

## قضاوت های سرسلسله قجری

۳۰ شهریور ۱۳۹۴ ساعت ۲۱:۳۶

چند روزی بعد از تاجگذاری، آغا محمد خان قاجار آماده می شد که با ولیعهدش فتحعلی خان از سربازان مازندرانی سان ببیند. ناگهان یکی از افسران حاضر، در برابر شاه تعظیم بلندی کرد و مدتی در گوشی با وی صحبت داشت پس از چند لحظه آغا محمد خان اظهار درد کرد و رنگ پریدگی مرده وار سیمایش موید اظهارش بود.

چند روزی بعد از تاجگذاری، آغا محمد خان قاجار آماده می شد که با ولیعهدش فتحعلی خان از سربازان مازندرانی سان ببیند. ناگهان یکی از افسران حاضر، در برابر شاه تعظیم بلندی کرد و مدتی در گوشی با وی صحبت داشت پس از چند لحظه آغا محمد خان اظهار درد کرد و رنگ پریدگی مرده وار سیمایش موید اظهارش بود. یکی از وزیران را به مرخص کردن سربازان برگماشت زیرا که حال سان دیدن نداشتهمین که مجلس خالی شد، تغییر حالت داد ولیعهد و نزدیکان حاضر را روانه اتاقهای دیگر کرد و فرمانده قره چوخاها را خواست و دو ساعت تمام با وی گفتگو کرد. در آن میان افسرانی را برای بازجویی به درون تالار می آوردند. فتحعلی خان در دیوانخانه مجاور منتظر دستورهای عمومی خود بود. سرانجام برادر زاده را نزد خود خواند و گفت: افسری که زیر گوشی با من صحبت می کرد یکی از رفیقان خود را متهم می کرد که قصد دارد شاه را بکشد. من هم در این دو ساعت بازجویی دقیق کردم تا معلوم شد که مدعی با افسر متهم دشمنی شخصی داشته و اتهام را سراپا از خود ساخته است. حالا پسر جان تو که روزی به پادشاهی خواهی رسید بگو بینم به عقیده تو چه باید کرد؟ جوانک با شور ساده لوحانه ای گفت: باید مفتی را تنبیه کرد و کسی را که به او بهتان بسته اند پادشاه داد. آغا محمد خان گفت: به این ترتیب تو دستوری می دادی که از نظر عدالت انسانی معقول و منطقی بود ولی فرمانی نبود که در خور پادشاه باشد. باز هم برو بیرون و منتظر دستور من باش ساعتی بعد فتحعلی خان را به تالاری که شاه در آنجا بود خواندند. وی چیزی در آنجا دید که از نفرت و وحشت خون در رگهایش بند آمد. نعل چند افسر را در آنجا دید و در آن میان مفتی، متهم و همه کسانی را که به عنوان گواه بازپرسی شده بودند بازشناخت شاه گفت من دچار اشتباه شدم که دو طرف را رویاروی کردم. روی انگونه چیزها نباید بحث شود زیرا که شایسته نیست در میان اطرافیان شاه کسانی آمد و شد داشته باشند که امکان شاه کشی به گوششان خورده است. من برای جبران اشتباهی که کردم چاره ای نداشتم جز آنکه بدهم همه کسانی را که به هر عنوان پایشان به این قضیه کشانیده شده بود خفه کنند.

(به نقل از کتاب آغا محمد خان قاجار اثر امینه پاکروان)

آدرس مطلب :

<https://www.cafetari.kh.com/news/۲۲۰۱۷/هاي-قضاوت-۲۲۰۱۷>